



تفسیر تطبیقی آیات ۱۱-۱۳ سوره طارق

محمدحسین برومند^۱ ID، امیر جودوی^۲ ID، و بتول علوی^۳ ID

^۱ دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: mhbaroomand@yazd.ac.ir

^۲ دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: amirjoudavi@yazd.ac.ir

^۳ دکتری تفسیر تطبیقی، پژوهشگر مستقل، شیراز، ایران. رایانامه: b.alavi_84@yahoo.com

چکیده

در آیات ۱۱-۱۲ سوره طارق، از «رَجَع» و «صَدَع» سخن رفته است: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ * وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ»؛ و در آیه ۱۳ آمده است: «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ». مفسران در تبیین معانی رَجَع و صَدَع در این آیات و مرجع ضمیر در آیه ۱۳ دیدگاه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند. این پژوهش، پس از استخراج و دسته‌بندی اظهارنظرهای مفسران و نقد و تحلیل آرای موجود، سعی در روشن کردن ارتباط سوگندها با یکدیگر و نیز ارتباط سوگندها با پاسخ آنها برآمده است. از پژوهش حاضر این نتیجه به دست می‌آید که افزون بر پذیرش معانی و مصادیق ابتدایی در ارتباط با سوگندها، معنای برگشت اجرام سماوی در مدار خود برای رَجَع و مفهوم قابلیت شکاف‌برداری و تجزیه‌پذیری زمین و تبدیل ماده به انرژی هسته‌ای برای صَدَع، به‌عنوان دو اعجاز علمی و در قالب معنایی عمیق‌تر، قابل مشاهده است. با اتخاذ معانی امروزی و برقراری تناسب بین سوگندها ضمیر در آیه ۱۳ به قرآن بازمی‌گردد. درستی این پیش‌بینی قرآن درباره رَجَع آسمان و صَدَع زمین حقانیت قرآن را ثابت می‌کند و پیش‌بینی رَجَع حتمی نفس انسان را در قیامت مستدل می‌سازد.

کلیدواژگان: سوره طارق: ۱۱-۱۳، رَجَع، صَدَع، سوگندهای قرآن

مقاله پژوهشی



مقدمه

در آیات ۱۱-۱۲ سوره طارق، از «رَجَع» و «صَدَع» سخن رفته است: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ * وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ»؛ و در آیه ۱۳ آمده است: «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ». مفسران در تبیین معانی رجع و صدع در این آیات و مرجع ضمیر در آیه ۱۳ دیدگاه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند. اختلاف نظرهای مفسران در مورد رابطه سوگندها با یکدیگر و رابطه سوگندها با پاسخ آنها است.

در مورد رابطه سوگندها، اظهار نظرهای مفسران به دو دسته تقسیم می‌شود. آرای مفسران دسته اول، به دلیل نادیده گرفتن این هماهنگی و تناسب، کنار گذاشته می‌شود. در بین آرای مفسران دسته دوم، چهار دیدگاه مطرح است: در دیدگاه اول، رجع به معنای باران و صدع به معنای گیاهان است. در دیدگاه دوم، رجع به معنای طلوع و غروب اجرام سماوی و صدع به معنای گیاهان است. در دیدگاه سوم، رجع به معنای حرکت اجرام سماوی در مدارها و صدع به معنای گیاهان و چشمه‌ها است. در دیدگاه چهارم، رجع و صدع به قیامت نسبت داده شده است. دو دیدگاه اول نشان‌دهنده مفهومی ابتدایی از رابطه میان سوگندها است. دیدگاه سوم نشان‌دهنده مفهوم عمیق‌تر از دو آیه است، ولی به طور ناقص مطرح شده است. دیدگاه چهارم، به دلیل مغایرت با هدف نهایی سوره و ارتباط آیات، غیر قابل قبول است. در مورد رابطه سوگندها و پاسخ سوگندها، فقط تعداد اندکی از مفسران دیدگاه اول، با در نظر گرفتن قیامت به عنوان مرجع ضمیر، رابطه کاملاً هماهنگ و متناسب ایجاد کرده‌اند. اشکال این دیدگاه این است که چنین معنایی قدیمی و ابتدایی است. سایر مفسران با وجود اظهار نظرهای گوناگون درباره مرجع ضمیر، مانند قرآن و قیامت، نتوانسته‌اند ارتباط روشنی میان سوگندها و پاسخ آنها برقرار نمایند. این تعدد آرا ضرورت نقد و بررسی را دوچندان می‌سازد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که رابطه آیات ۱۱ و ۱۲ با آیه ۱۳ چیست؟

تفسیر سوگندها

بهترین تفسیر درباره سوگندها عبارت‌اند از:

۱. تکیه بر مفهوم «رجع» و «صدع»: دلالت واژه «رجع» در آیه بر حرکت اجرام سماوی در مداری خاص و برگشت دوباره؛ همچنین دلالت واژه «صدع» به خاصیت شکاف‌پذیری و تجزیه‌پذیری زمین حتی ریزترین ذرات مانند اتم،

۲. اعجاز علمی و دو پدیده علمی: آسمان دارای رجع یعنی تکرار حرکت هریک از اجرام آسمانی در مدار خود به طور منظم و در فواصل زمانی مساوی. زمین دارای صدع یعنی شکافتن هسته اتم، تقسیم آن به دو یا چند هسته کوچکتر و تبدیل ماده به انرژی هسته‌ای طبق قانون بقای جرم و انرژی،

۳. نقش بی‌بدیل هدف نهایی سوره و لزوم برقراری ارتباط بین آیات: هدف سوره تذکر به رجع نهایی و بازگشت نفس و تقسیم آیات سوره به دو دسته آیات حفظ نفس و رجع نفس است.

دیدگاه برگزیده در مقایسه با دیدگاه سوم نقش مکمل را بر عهده دارد. بر این اساس، بین سوگندها تناسب و رابطه برقرار می‌شود. یکی در سطح آسمان و دیگری در سطح زمین. در آسمان درباره هرچه بزرگتر شدن اجرام و در زمین درباره هرچه ریزتر شدن مواد. هرچه از آسمان بالاتر رفته و در فضایی بزرگ و بزرگتر قرار بگیریم، همچنان، رجع صادق است و هرچه زمین بیشتر شکسته شود و ریزتر گردد، ولو به ذرات ریز اتم‌ها برسیم، باز هم قابلیت شکسته شدن وجود دارد و صدع صادق است. این تجزیه‌پذیری همچنان ادامه دارد. «ذات الصدع» اشاره به طبیعتی مربوط به خود زمین است، چنان‌که در «ذات الرجع» اشاره به طبیعتی در خود آسمان دارد. این دو سوگند از مصادیق اعجاز علمی به شمار می‌آیند.

رابطه سوگندها با پاسخ آنها

باید توجه داشت که ضمیر در «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ» به قرآن برمی‌گردد. در نتیجه این بازگشت رابطه میان دو سوگند و پاسخ آنها نیز برقرار و روشن می‌شود. قرآن سخنی جدی، نهایی و حق است و ممیز بین حق و باطل است. با این نگاه، رابطه سوگندها و پاسخ سوگند اثبات حقانیت قرآن و اعجاز علمی قرآن است. به تعبیر دیگر، قرآنی که در آن زمان که هنوز بشر به رشد علمی نرسیده از این دو پدیده آسمان و زمین خبر داده و به‌نوعی پیشگویی کرده، همین «قَوْلُ فَصْلٍ»، اگر در مورد قیامت و رجع نفس هم خبر دهد و پیشگویی کند، حتماً صادق است.

نتیجه‌گیری

با توجه به تناسب سوگندها و پاسخ آنها، آیات یازدهم تا سیزدهم سوره طارق بیانگر دو نوع برداشت است: یک برداشت سطحی، پایین و متناسب با زمان نزول است و برداشت دیگر عمیق‌تر، بالاتر و متناسب با عصر امروز. فهم عمیق‌تر درباره رجع آسمان و صدع زمین از یک سو موهون رشد علوم تجربی و از سوی دیگر، در گرو اعمال تفسیر

ترتیبی روشمند بر سوره طارق و تبیین ارتباط آیات آن و مفهوم لغوی واژگان رجع و صدع است. در این نگاه، رجع به حرکت اجرام سماوی در مدار خود و صدع به قابلیت تجزیه پذیری زمین، ماده و انرژی هسته‌ای مرتبط است. ضمیر در آیه «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ» به قرآن برمی‌گردد، چون هم از پشتوانه روایی برخوردار است و هم رجع نفس را پوشش می‌دهد. این پوشش معنایی بدین صورت است که قرآنی که در مورد رجع آسمان و صدع زمین به گونه‌ای سخن گفته که بشر امروز قابلیت فهم آن را دارد اخبارش درباره قیامت و رجع نفس انسان نیز فصل الخطاب است.

منابع

اشکوری، عبدالمجید؛ و روزبهانی، محمدعلی. (۱۳۸۴). ایران و انرژی هسته‌ای. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.

برومند، محمدحسین. (۱۳۸۴). نقد و بررسی روش‌های تبیین حقانیت قرآن. عرش اندیشه.

رضایی اصفهانی، محمدعلی. (بی‌تا). قرآن و علوم تجربی. نسیم حیات.

زمانی قمشه‌ای، علی. (۱۳۸۷). هیئت و نجوم اسلامی. مؤسسه امام صادق (ع).

طنطاوی، سید محمد. (۱۹۹۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. نهضة مصر.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). دار إحياء التراث العربی.

فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی. مکتبة الصدر.

مسترحمی، عیسی. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی مدل‌های آغاز آفرینش از منظر قرآن و کیهان‌شناسی، رهیافت‌هایی در

علوم قرآن و حدیث، ۵۰(۱)، ۶۷-۷۹. <https://doi.org/10.22067/naqhs.v50i1.47107>

میدانی، عبدالرحمن. (۱۳۶۱). معارج التفكير و دقائق التدبر. دارالعلم.

همتی، محمدعلی. (۱۴۰۳). معنای «رجع» در آیه ۱۱ سوره طارق در تفاسیر و ترجمه‌های فارسی و لاتین. پژوهش‌های

تفسیر تطبیقی، ۱۰(۱)، ۱۶۳-۱۸۶. <https://doi.org/10.22091/ptt.2023.9506.2242>